**١٢٨ - ارسال شکوی بناپلؤون سوم**

 از حضرت بهاءالله در لوح خطاب بشیخ محمد تقی نجفی اصفهانی است قوله الاعلی بلایائی بر این مظلوم وارد که شبه آنرا عیون مشاهده نکرده و در اظهار امر بهیچ وجه توقف ننمود و بحضرات ملوک و سلاطین ایدهم الله تعالی القا نمود آنچه را که سبب آسایش و اتحاد و اتفاق و عمار عالم و راحت امم است از جمله دو کلمه از ناپلیون ثالث اصغا شد و آن سبب شد که در ادرنه لوحی باو ارسال نمودیم جواب نفرمودند و بعد از ورود در سجن اعظم از وزیر ایشان نامه و دستخطی رسید اول آن بخط عجمی و آخر آنرا بخط خودشان مرقوم داشته بودند و اظهار عنایت فرموده بودند و مذکور داشتند که نامه را حسب الخواهش رساندم و الی حین جوابی نفرموده اند و لکن بوزیر مختار خودمان در علیه و قونسولوس آن اراضی سفارش نمودیم هر مطلبی باشد اظهار فرمائید اجراء میگردد و ازین بیان ایشان معلوم شد مقصود اینعبد را اصلاح امور ظاهره دانسته اند لذا آیاتی باسم ایشان در سوره هیکل نازل بعضی از آن ذکر میشود تا آنجناب بدانند که امر اینمظلوم لله و من عند الله بوده یا ملک باریس نبئی القسیس ان لا یدق النواقیس تالله الحق قد ظهر الناقوس الافخم علی هیکل الاسم الاعظم و تدقه اصابع مشیة ربک العلی الاعلی فی جبروت البقاء بسمه الابهی ( الی آخره ) و امر نمودیم یکی از ملاء حضرت روح این لوح را ارسال دارد و او ذکر نمود لوح و ترجمه آنرا ارسال داشتم العلم عند الله العزیز العلام .